

# مدل یابی معادلات ساختاری عوامل موثر بر بازاندیشی تعاملات جنسی جوانان

مهدی، سلیمانی<sup>۱</sup>

ضیا هاشمی<sup>۲</sup>

علیرضا محسنی تبریزی<sup>۳</sup>

هوشنگ ناییبی<sup>۴</sup>

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۱۱/۱۰

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۱۲/۱۹

جوانی به عنوان یک سازه اجتماعی، فرهنگی و زیستی، زمینه‌ساز و پاسخگوی تغییرات اجتماعی است. از این رو، با توجه به روبه رشد بودن بازاندیشی تعاملات جنسی و همینطور افزایش تعاملات بین دو جنس و تغییر در شکل و محتوای آن، هدف از پژوهش حاضر بررسی مهمترین عوامل تاثیر گذار بر بازاندیشی تعاملات جنسی جوانان می باشد. جامعه آماری تحقیق شامل جوانان ۱۸ تا ۲۹ ساله دانشگاه‌های استان تهران است. نمونه‌گیری به روش خوشه‌ای چند مرحله‌ای انجام گردید. حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران ۳۸۴ نفر در نظر گرفته شد. از ابزار پرسشنامه برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده به عمل آمد. یافته‌های پژوهش نشان داد بین فرزند سالاری، اقامت طولانی مدت جوانان در خانواده، فردگرایی، استفاده از فناوری‌های ارتباطی نوین، تغییر نقش زن و شوهری و پایگاه اجتماعی اقتصادی با میزان بازاندیشی در تعاملات جنسی رابطه معناداری مشاهده می‌شود. یافته‌های رگرسیون گام به گام نشان داد که عامل‌های فردگرایی، فناوری‌های نوین ارتباطی، تغییر نقش زن و شوهری، پایگاه اجتماعی و اقتصادی و فرزند سالاری در مجموع ۱۸/۳ درصد از واریانس بازاندیشی تعاملات جنسی جوانان را تبیین نمودند. با استفاده از مدل معادلات ساختاری آموس مشخص شد تغییر در نقش زن و شوهری از طریق فرزندسالاری و فردگرایی و

---

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

E-mail: Mahdi.soleymani.p@gmail.com

<sup>۲</sup> دانشیار، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

<sup>۳</sup> استاد، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

<sup>۴</sup> دانشیار، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

همچنین استفاده از فناوری‌های ارتباطی نوین و پایگاه اجتماعی اقتصادی میزان بازانديشي در تعاملات جنسي را تحت تاثير قرار مي‌دهند.

**واژگان کلیدی:** جوانان، بازانديشي تعاملات جنسي، فرزند سالاري، خانواده و تغيير نقش زن و شوهری

جامعه ایرانی، جامعه‌ای در حال تحول است و طی سال‌های اخیر دستخوش دگرگونی‌ها و تغییرات شایان توجهی در حوزه‌های مختلف و در سطوح خرد و کلان شده است. اگرچه تغییرات حوزه‌های سیاسی و اقتصادی جالب توجه است، اما تغییرات و تحولات حوزه‌های اجتماعی و فرهنگی به دلیل ریشه گرفتن از بطن جامعه و تحت تاثیر قرارداد زندگی توده مردم، به کانون توجه محققان و نظریه پردازان حوزه مسائل اجتماعی تبدیل شده‌اند. از مهمترین حوزه‌های دگرگونی در سطح خرد، تغییرات عمده در ارزش‌ها و نگرش‌های جوانان ایرانی در زمینه تشکیل خانواده و روابط جنسی بوده است. (عبدالهیان، ۱۳۸۳؛ قاسمی، ۱۳۸۳؛ موحد و همکاران، ۱۳۸۵؛ دل‌آور و همکاران، ۱۳۹۱؛ خواجه نوری ۱۳۹۱). جوانی به عنوان یک سازه‌ی اجتماعی، فرهنگی و زیستی که زمینه‌ساز و پاسخگوی تغییرات اجتماعی است، به موضوعی جذاب و محوری در گفتمان‌های مختلف در حوزه عمومی و در محافل دانشگاهی تبدیل شده است. آنچه به روشنی بر گزاره‌های به دست آمده از این گفتمان‌ها تاثیر گذار می باشد، دریافت از مفهوم جوانی و تلقی نسبت به ذهنیت، نگرش و تمایلات رفتاری این گروه است که تاثیر خود را علاوه بر نظریه پردازی‌های اجتماعی، بر سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی اجتماعی برای این گروه برجای گذاشته است. از سوی دیگر، شتاب و تنوع تغییراتی که جامعه در حال گذار ایران تجربه می‌کند و تحولات ساختاری و نهادی ملازم با آن ابعاد پیچیده‌تر و مهمتری به مسائل جوانان بخشیده است (ذکایی، ۱۳۹۳: ۱۰). مطالعه تحولات اجتماعی ایران از تغییراتی آرام، ولی گسترده در سال‌های اخیر خبر می‌دهد. با گسترش امکانات جدید ارتباطی، جامعه ایران به تدریج با امواج فزاینده‌ای از تغییرات ارزشی و هنجاری مواجه شده است (آزاد و دیگران، ۱۳۸۱؛ ساروخانی و صداقتی‌فر، ۱۳۸۸)؛ چرخشی در نسل و روندی که نشانه تغییر در جامعه‌ای است که هنجارها و ارزش‌های سنتی آن کمتر در جوانان تأثیرگذار است. تغییرات ارزشی با شکاف بین نسل‌ها و پشت کردن نسل‌های جوان‌تر به ارزش‌های سنتی در جامعه شروع می‌شود و ممکن است به تغییرات اجتماعی گسترده‌تر بینجامد (آزاد و دیگران، ۱۳۹۰: ۳). از طرفی، در کنار تحولات نظام ارزشی در سال‌های اخیر، جامعه ایرانی با تغییرات اجتماعی و ساختاری دیگری نیز در این سال‌ها دست به گریبان است. یکی از این موارد، تغییر ساختار اقتصادی کشور و تبعات اجتماعی متعدد آن بر رفتارها و نگرش‌های جوانان است. انتخاب و بازانديشي در سبک‌های مختلف زندگی و ارتباطات اجتماعی - آن‌چنان که افراد یا گروه‌ها می -

خواهند- سبب گردیده تا پدیده‌هایی که پیشتر چندان بروز عینی و آشکاری نداشتند، امروزه به مسئله‌ای اجتماعی تبدیل شوند (خواجه نوری، ۱۳۹۱: ۴۲). اکنون فاصله بین بلوغ جنسی و بلوغ اقتصادی روز به روز در حال افزایش است. در این میان، اشتغال جوانان به یکی از مسائل کلیدی در جامعه ایرانی بدل شده است، چرا که اشتغال، مقدمه ازدواج است و مشکلات اقتصادی بر سن ازدواج در شهرهای بزرگ می‌افزاید- در حالی که ازدواج تنها راه مشروع ارضای نیاز جنسی در ایران است و اکنون این راه با موانع زیادی روبه رو شده است. افزایش سن ازدواج، فشارهای زیادی به جوامع با ساختار سنتی وارد کرده است. در حال حاضر در ایران، بیش از ۱۴ میلیون جوان در سن ازدواج هنوز ازدواج نکرده‌اند (مرکز آمار ایران). طبق نظریه سلسله مراتب نیازی‌های مازلو، نیاز جنسی جزو نیازهای اولیه، فیزیولوژیک و اساسی ارگانسیم محسوب می‌شود که بالاترین فشار را بر فرد وارد می‌کند و با تاخیر انداختن ازدواج، نیاز جنسی فرد کاهش نمی‌یابد. نیاز جنسی از دیرباز تاکنون یکی از مباحث مهم انسانی بوده و با درگیرکردن ذهن بشر در همه دوره‌های تاریخ، رفتار او را تحت تأثیر خود قرار داده است. تفاوت نگرش‌ها نسبت به رفتار جنسی، ریشه در تفاوت‌های موجود در شناسه‌های فرهنگی، مذهبی و اجتماعی جوامع گوناگون دارد، اما نکته شایان توجه، دگرگونی نگرش به رابطه جنسی در سالیان اخیر است. فراگیر شدن الگوهای تازه تعاملات جنسی مانند روابط دختر و پسر، برقراری دوستی همزمان با چندین نفر، برقراری دوستی با جنس مخالف پس از ازدواج و روابط نامتعارفی مانند روابط جنسی مجازی در فضای اینترنت و گسترش روابط همجنس‌گرایی با سطحی پیشرفته در میان افراد نشان می‌دهد که روند بازاندیشی جوانان در رفتارهای جنسی، شتابی بسیار گرفته است (رجبلو و اصغری، ۱۳۸۹: ۷۵). از جمله تغییرات مهم که نزد نوجوانان و جوانان، مقبولیت یافته و بیش از پیش مجاز شمرده می‌شود، رابطه جنسی پیش از ازدواج و خارج از ازدواج است (آزین و تورنتن، ۱۹۹۳؛ بامپس، ۱۹۹۸؛ منینگ، لونگ مور و جیوردانو، ۲۰۰۷). در جامعه سنتی ایران، چنین رابطه‌ای به عنوان عملی منافی اخلاق عرفی - دین و نیز خیانت به همسر تلقی می‌شود (هجت و همکاران، ۱۹۹۹).

امروزه، ازدواج در حال تضعیف و سایر تعاملات جنسی غیر رسمی و خارج از ازدواج در حال تقویت شدن است (مورس<sup>۱</sup>، ۲۰۰۳؛ ساردون و روبرتسون<sup>۲</sup>، ۲۰۰۴؛ پل و بئومل<sup>۳</sup>، ۲۰۱۰؛ گودوین و همکاران<sup>۱</sup>

---

۱ -Moors

۲- Sardon and Robertson

۳ -Pla and Beaumel

۲۰۱۰). به طور مثال، شاخص‌ها در کانادا کاهش شدید میزان ازدواج در چند دهه اخیر را نشان می‌دهند. در این کشور، میزان ازدواج زنان تا ۵۰ سالگی، از بالای ۹۵ درصد در سال ۱۹۶۵ به کمتر از ۶۰ درصد در سال ۲۰۰۳ رسیده است. در مقابل، میزان روابط جنسی خارج از ازدواج در کانادا، رشدی ۳۰۰ درصدی را نشان می‌دهد و از ۱۵ درصد در اواخر دهه ۱۹۶۰ به نزدیک ۵۰ درصد در سال ۲۰۰۰ رسیده است (بوردیس و لاپیر<sup>۲</sup>، ۲۰۰۴). در قاره اقیانوسیه نیز روابط جنسی خارج از ازدواج رو به افزایش است؛ به طوری که در استرالیا از ۱۶ درصد در سال ۱۹۷۵ به بیش از ۷۰ درصد در سال ۲۰۰۷ رسیده است (هیت و دیواس<sup>۳</sup>، ۲۰۰۹). استیو<sup>۴</sup> و همکارانش (۲۰۱۲) از امریکای لاتین گزارش می‌دهند که تعاملات جنسی خارج از ازدواج در کشورهای این بخش از جهان نیز در چند دهه اخیر گسترش چشم‌گیری یافته است؛ به عنوان مثال، در برزیل در سال ۱۹۷۰ فقط ۷ درصد از جوانان رابطه جنسی خارج از ازدواج داشتند، اما در سال ۲۰۰۰ این رقم به نزدیک ۴۰ درصد رسیده است. با این حال، این همه ماجرا نیست؛ چرا که میزان این روابط در برخی کشورهای دیگر این منطقه، حتی رشد شدیدتری را نشان می‌دهد. استیو و همکارانش در مقاله خود نشان می‌دهند که این روابط در آرژانتین و ونزوئلا در سال ۲۰۰۰، به حدود ۵۰ درصد رسیده است و در کشورهای کوبا و کلمبیا نیز امروزه، بیش از ۶۰ درصد جوانان رابطه جنسی خارج از ازدواج دارند. در امریکا، در دهه ۱۹۷۰، نزدیک به ۴۰۰ هزار زوج در قالب الگوهای هم‌خانگی زندگی می‌کردند، اما این آمار در دهه ۱۹۸۰ به ۱ میلیون و ۵۰۰ هزار زوج رسیده است (اسپینر<sup>۵</sup>، ۱۹۸۵) و در اواخر دهه ۱۹۹۰، از مرز ۴ میلیون گذشت سلتزر<sup>۶</sup> (۲۰۰۰). این در حالی است که بر طبق آمارهای سال ۲۰۱۰، بیش از ۷ میلیون زوج (۱۴ میلیون نفر) در امریکا در قالب هم‌خانگی با یکدیگر زندگی می‌کنند (کندی و کامپس<sup>۷</sup>، ۲۰۰۸؛ گودوین، ۲۰۱۰). ارائه گزارش‌های فراگیر نشان از افزایش سن ازدواج در اغلب کشورهای صنعتی جهان دارد (نمونه‌های اخیر، پارکر و وسلو<sup>۸</sup>، ۲۰۰۹؛ چرلین<sup>۹</sup>، ۲۰۱۰؛ پین<sup>۱۰</sup>، ۲۰۱۱، ویلفابی، کارول، وایتاس و هیل<sup>۱</sup>،

۱- Goodwin et al

۲- Bourdais & lapierre

۳- hewitt and de vau

۴- Esteve et al.,

۵- Spanier

۶- Seltzer

۷- Kennedy and Bumpass

۸- Parker, R., & Vassallo

۹- Cherlin

۱۰- Payne

۲۰۱۲) از طرفی، شاهد تغییر و تنوع مسیرهای ازدواج و الگوهای جدید روابط جنسی از قبیل قرار عاشقی<sup>۱</sup>، زندگی مشترک غیررسمی، همجنس‌گرایی، روابط جنسی فرازناشویی در این جوامع هستیم (اسماک، منینگ و دوریس<sup>۳</sup>، ۲۰۱۳؛ لندل، هاواسویچ - بروکس و توث، ۲۰۰۸؛ کندی و بامپس، ۲۰۰۸؛ منینگ، ۲۰۱۰؛ ویلافبی، هال، و لوکزاک<sup>۴</sup>، ۲۰۱۳). به طور کلی، تحقیقات نشان می‌دهند که روند افزایش روابط جنسی پیش از ازدواج، یک روند جهانی است (آفاری، ۲۰۰۹؛ مهدوی، ۲۰۰۸؛ گرمارودی و همکاران، ۱۳۸۸؛ محمدی و همکاران، ۲۰۰۷).

با توجه به این که تغییر تدریجی ارزش‌ها، ابتدا منجر به تغییر در ساختار خانواده و کارکردهای آن و سپس با تغییر گفتمان غالب، حتی می‌تواند منجر به تغییرات اجتماعی گسترده‌تر شود و از طرف دیگر، با نگاهی کوتاه به ادبیات پیشین در این حوزه مشخص می‌شود که با توجه به اهمیت نظام روابط جنسی در جامعه، به هر دلیل، پژوهش‌های جامعه‌شناختی چندانی در این مورد در ایران صورت نگرفته و جامعه‌شناسی ایرانی، شناخت کمی نسبت به این موضوع بکر و البته حساس و مهم برای جامعه دارد. بدین رو با توجه به روبه رشد بودن بازاندری تعاملات جنسی و توجه اندک تحقیقات علمی و تخصصی به آن در جامعه ایران و همین‌طور افزایش تعاملات بین دو جنس و تغییر در شکل و محتوای آن، انجام مطالعه‌ای دقیق و علمی در زمینه مذکور ضروری به نظر می‌رسد. بر همین اساس، پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی به این سوال است که مهمترین عوامل تاثیر گذار بر بازاندری تعاملات و تغییر نگرش در روابط جنسی جوانان در جامعه ایرانی کدام اند؟

## مروری بر ادبیات پیشین

تحقیقات در ایران نشان می‌دهد که رابطه جنسی پیش از ازدواج در حال افزایش است (سلیمی نیا و دیگران، ۱۳۸۴؛ وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، ۱۳۸۶؛ گرمارودی و دیگران، ۱۳۸۸؛ خلیج آبادی فراهانی و مهریار، ۱۳۸۹، آزاد، ۱۳۹۱). با توجه به جوان بودن جمعیت (حدود یک سوم جمعیت این کشور، یعنی بیش از ۲۴ میلیون نفر را جمعیت جوان ۲۰ تا ۳۵ ساله تشکیل می‌دهند) هر گونه تغییر و تحول در روابط

---

۱- Willoughby, Carroll, Vitas & Hill

۲ - dating

۳- Smock, Manning, & Dorius

۴- Willoughby, Hall, & Luczak

جنسی و ازدواج و تشکیل خانواده در حکم مسئله یا چالشی در جامعه قابلیت مطالعه و بررسی را دارد. آمارها نشان می‌دهد ازدواج در سال ۱۳۹۰ در مقایسه با ۱۳۸۹ کاهش ۹/۱ درصدی داشته است؛ به بیان دقیق‌تر، ازدواج در این سال در مقایسه با سال قبل ۱۸ هزار و ۸۳۵ مورد کاهش داشته است. در سال ۱۳۹۰ تعداد ازدواج ثبت شده برابر با ۸۷۴۷۹۲ مورد بوده است، در حالی که در سال ۱۳۹۴ تعداد ازدواج ثبت شده برابر ۶۸۵۳۵۲ مورد بوده است؛ به عبارت دیگر، در سال ۹۴ در مقایسه با سال ۹۰ کاهش ۲۱/۶۵ درصدی داشته است (سازمان ثبت احوال کشور، ۱۳۹۵). از طرفی آمار موجود نشان می‌دهد که میانگین سن ازدواج در کل کشور برای مردان ۲۷/۳۰ سال و برای زنان ۲۳ سال بوده است (خبرنامه آماری کشوری، ۱۳۹۱: ۲۰). این در حالی است که نتایج پژوهش‌ها، از افزایش روابط جنسی غیر رسمی در بین جوانان کشورمان خبر می‌دهند (گرمارودی و همکاران، ۱۳۸۸؛ سلیمی نیا و همکاران، ۱۳۸۴؛ خلج‌آبادی و مهریار، ۱۳۸۹؛ آزاد و دیگران، ۱۳۹۱؛ محمد و همکاران، ۲۰۰۷). برای مثال، محمد و همکاران (۲۰۰۷) در تحقیق خود نشان داده‌اند که ۲۸ درصد نوجوانان و جوانان شهری (دختر و پسر) رابطه قبل از ازدواج را تجربه کرده‌اند. هم چنین، گرمارودی و همکاران (۱۳۸۸) در تحقیق خود با مطالعه ۲۴۰۰ دانش‌آموز دبیرستانی (۱۷ تا ۱۴ ساله) به این نتیجه رسیدند که بیش از ۲۰ درصد از آنان، نزدیکی کامل جنسی را در طول زندگی خود تجربه کرده‌اند. خلج‌آبادی و مهریار (۱۳۸۹) در نیز تحقیق خود گزارش کرده‌اند که نزدیک به ۲۵ درصد دختران مجرد دانشجوی در دانشگاه‌های بزرگ تهران در طول زندگی خود به نوعی، رابطه جنسی با جنس مخالف را تجربه کرده‌اند و ۱۰ درصد آن‌ها به رابطه کامل جنسی ختم شده است. از سوی دیگر، میزان برقراری روابط فرازنشویی (خیانت زناشویی) که علت وقوع بیشتر طلاق‌ها ذکر شده، در حال افزایش است (براند و دیگران، ۲۰۰۷؛ پترسون و هاید، ۲۰۱۰). ظهور این پدیده و تغییر نگرش جوانان در مورد روابط جنسی، نگرانی خانواده‌ها، علما و جامعه دینی، مسئولان و برنامه‌ریزان فرهنگی و سازمان‌های جوانان را در پی داشته است. بنابراین روابط جنسی غیررسمی و خارج از ازدواج در جامعه ما از نظر ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی و دینی، یک مسئله اجتماعی است. با توجه به تجربیات غرب و روندهای اجتماعی که از قبیل چنین روابطی در آن جوامع پدید آمده است (موحد، ۱۳۸۵: ۱۴۸)، به نظر می‌رسد ظهور این پدیده در جامعه ما تأثیرات ساختی را بر بسیاری از نهادهای اجتماعی می‌گذارد و می‌تواند به تدریج نهاد ازدواج و خانواده را با چالش‌های جدی مواجه نماید. در تحقیقاتی که تاکنون درباره این موضوع در ایران انجام شده،

جای خالی پژوهشی عمیق با پشتوانه محکم نظری خالی به نظر می‌رسد. در واقع، به‌طور خاص، به تأثیر عوامل مهم و گوناگون بر بازانديشی تعاملات جنسی نوجوانان و جوانان پرداخته نشده است. لذا در این پژوهش تلاش خواهد شد شکاف‌ها و نقاط ضعف مطالعات پیشین با توجه به امکانات تحقیق تا اندازه‌ای بر طرف گردد و علاوه بر توصیف و سنجش نگرش درباره بازانديشی تعاملات جنسی به تبیین چرایی و چگونگی آن هم پرداخته شود.

## مبانی نظری پژوهش

لوتالر و سوبوتکا<sup>۱</sup> در ارتباط با جوانان، دو مفهوم تعادل جنبه‌های زندگی و ساعات شلوغ زندگی را توضیح می‌دهند. آنان معتقدند که در فضای به شدت در حال تغییر، چالش اصلی جوانان حفظ تعادل بین جنبه‌های مختلف زندگی مثل کار، تحصیل، ازدواج و مواردی مثل آن است (لوتالر، ۲۰۱۰: ۱۲۱). ساعات شلوغ زندگی نیز آن دوره‌ای است که فرد مجبور است در آن به مدیریت مجموعه‌ای از جنبه‌های مختلف زندگی بپردازد؛ به عنوان مثال، کار پیدا کند، کار خود را بهتر کند، تحصیل کند، مسکنی برای خود بیابد و ازدواج نماید (همان، ۱۲۲). از این منظر ساعات شلوغ زندگی، پیوند محکمی با تعادل بین جنبه‌های زندگی می‌یابد. از منظر سوبوتکا، ساعات شلوغ زندگی شامل مجموعه‌ای از اتفاقات مثل طولانی شدن آموزش، طولانی شدن حضور جوانان در خانواده، افول بارداری، اشتغال و حضور زنان در جامعه و پیشرفت‌های آنان در وضعیت کاری، تغییر در زوجیت و فرزندآوری، کاهش فشارهای هنجاری برای ازدواج و فرزندآوری و سبک زندگی است که باعث به تأخیر افتادن بسیاری از تصمیم‌گیری‌های زندگی از جمله ازدواج و روابط جنسی شده است. (سوبوتکا، ۲۰۱۰: ۱۲۹). نتیجه این امر تراکم بسیاری از تصمیمات در دوره‌ای کوتاه است که فشار بسیاری بر چگونگی مدیریت زندگی و تصمیمات آنان ایجاد می‌کند.

لکاردی<sup>۲</sup> با طرح "بحران آینده" مبنی بر اینکه زمان برنامه‌ریزی شده قابل کنترل و آینده پیش‌رونده هم برای جامعه و هم برای فرد روز به روز کمرنگ‌تر می‌شود، ایده آینده و برنامه را از بین رفته می‌داند (لکاردی، ۲۰۰۶: ۱۶). از نظر وی، جوانان در گذار به بزرگسالی روندی طولانی‌تر، ناپیوسته‌تر، استاندارد زدوده‌تر و پاره پاره‌تر (به مراحل نامستمر برگشت پذیر) را طی می‌کنند- این امر انعکاسی از اهمیت یافتن مدل‌های

---

۱ - Lutal & Sabetka

۲ - Lacardi



زندگی نامه‌ای است (همان، ۱۷). این طرح که به فردی شدن قدرتمندانه و همزمان با آن اهمیت یافتن بسیاری از خصیصه‌های مخاطره‌آمیز اشاره دارد، نیاز به تصمیم‌گیری در متنی اجتماعی را که با عدم قطعیت بزرگ مشخص می‌شود یادآور می‌سازد و اهمیت زیادی به فرد در تعریف انتخاب می‌دهد. وی تحلیل عمیق چنین پدیده‌ای را با استفاده از تعریف رُزا<sup>۱</sup> از جامعه شتاب یافته که در آن شتاب یافتن تکنولوژی و کمیابی فزاینده زمان با هم اتفاق می‌افتد، انجام می‌دهد (همان، ص ۳۳). فرد در چنین جامعه‌ای متحرک در تطبیق با شرایط، زبردست در ایجاد موقعیت مناسب، توانا در استفاده از فرصت‌های احتمالی جدید و ماهر در شکار مفیدترین آنهاست. لکاردی برای تعریف جوانان معاصر، از مفهوم بریکولاژ<sup>۲</sup> و بریکولر<sup>۳</sup> لوی اشترواس<sup>۴</sup> استفاده می‌کند. بریکولر کسی است که کارش را با دست‌ان خودش به‌کل آزمایشی با بکارگیری ابزارها به گونه‌ای متفاوت (از آنچه یک حرفه‌ای بکار می‌برد) شکل می‌دهد. آنچه چشمگیر است توانایی بریکولر در انطباق خودش با مواد در دسترس است تا با آنها قدم به قدم آن وسیله‌ای را که محتاج بدان است، بسازد (همان). در فقدان پروژه‌ای با جزییات مشخص و معلوم وسیله بر اساس آنچه که فی الحال حاضر است<sup>۵</sup> ساخته می‌شود. در تمامی آن چیزهای که بریکولر با آن کار می‌کند، هیچ عنصری کارکرد از پیش تعیین شده‌ای ندارد. نتیجه و برون داد کار با موقعیت‌ها و وسایلی که او هم اینجا و همین حالا با آنها روبه روست، پیوند می‌یابد. (همان، ۳۳ و ۴۳). لکاردی با بهره بردن از مفهوم پردازی ملوچی<sup>۶</sup> "کوچ نشینان زمان حاضر"<sup>۷</sup> را واژه مناسبی برای "مسیرهای زندگی نامه‌ای معاصر"<sup>۸</sup> می‌داند. از این منظر، کوچ نشینان حال حاضر پایانی را دنبال نمی‌کنند، بلکه دائماً چیزهای را که محدود به اشیای غیر دائمی است، کشف می‌کنند. کوچ‌نشینان امروز زندگی نامه‌های نه بر پایه یک پروژه، بلکه به عنوان نتیجه بازاندیشی می‌سازند (همان، ۳۴). تعبیر لکاردی از چنین شیوه‌ای از تصمیم‌گیری که در آن هم امیال و هم نیازها و هم راه‌های رسیدن به آن مطابق موقعیت تعریف می‌شود، موقعیت‌گرایی است (همان).

---

۱- Rosa  
۲- bricolage  
۳- bricoler  
۴- Lévi-Strauss  
۵- spur of moment  
۶- Melucci  
۷- nomads of the present  
۸- contemporary biographical trajectories

## چارچوب نظری

در پژوهش حاضر در توضیح عوامل موثر بر بازاندیشی تعاملات جنسی، بر آرای گیدنز و زیگمونت باومن تاکید شده است. گیدنز بر این عقیده است که با کاهش نفوذ سنت و بازسازی زندگی روزمره برحسب عوامل جهانی و محلی، افراد ناچارند شیوه‌های زندگی خود را از میان گزینه‌های مختلف برگزینند. در این میان، اگرچه عوامل یکسان‌ساز و استانداردکننده هم وجود دارد، اما به دلیل "باز بودن" زندگی اجتماعی امروزی و همچنین تکثریابی زمینه‌های عمل و تنوع "مراجع"، انتخاب شیوه زندگی بیش از پیش در ساخت هویت شخصی و فعالیت روزمره اهمیت می‌یابد. (گیدنز، ۱۳۷۸: ۲۱) به اعتقاد وی، در جوامع معاصر که تکثرگرا، متنوع و درحال تغییرند و همه چیز مورد مذاقه قرار می‌گیرد، "خود" نیز به پروژهای بازاندیشانه تبدیل می‌شود. گیدنز به خود خودسازنده، اولویت زیادی می‌دهد؛ پروژهای که از آن طریق، "خود" در سطح فرد، بازاندیشانه و تغییردهنده می‌شود (گیدنز، ۱۳۷۸). وی در کتاب "دگرذیسی صمیمیت" نشان می‌دهد که الگوهای روابط جنسی در طی چند دهه گذشته به شکلی چشمگیر بسط یافته اند و دامنه گسترده‌ای از تنوعات و بدیل‌ها را که تا پیش از این تابو تلقی می‌شدند، در بر گرفته اند. در بحث چرایی این امر مهمترین رقیب گیدنز، فوکو می‌باشد. فوکو برای نخستین بار به شکلی نظام مند و در عین حال به شیوه‌ای پساساختارگرایانه‌ای نظام گریز، الگوهای تکامل رفتار جنسی در قرن نوزدهم را مورد واررسی قرار داد و با واشکافی گفتمان حاکم بر جنسیت در قرن گذشته آن را با قدرت انطباقی و نیروهای سازمان دهنده بدن‌های اجتماعی شده پیوند زد. گیدنز انقلاب صنعتی را همچون تحولی در نظر می‌گیرد که به بازآرایی مفهومی مکان در ذهنیت انسان مدرن منتهی شد. برخی از تغییرات در حوزه خانواده اتفاق افتاد که منجر به از دست دادن نفوذ گروه‌های خویشاوندی به هم پیوسته؛ رواج روند انتخاب آزادانه همسر و کاهش ازدواج‌های تنظیم شده؛ افزایش حقوق زنان هم از نظر حق انتخاب در ازدواج و هم تصمیم‌گیری در خانواده؛ کاهش نقش گروه خویشاوندی به عنوان عامل سازمان‌دهنده روابط زناشویی؛ رشد آزادی‌های جنسی؛ گسترش حقوق کودکان؛ تبدیل شدن خانواده به مثابه مجموعه‌ای از ارتباط‌های عاطفی و نه واحدی اقتصادی و تغییر نگرش نسبت به انتظارات از نقش‌های زن و مرد متأثر از معرفت «بازاندیشانه» شد (جلایی - پور، ۱۳۸۲: ۲۲-۱۳). از سویی، فضای کار کردن و زیستن از یکدیگر تفکیک شدند و با فروپاشی خانواده های گسترده، عمل زیستن در خانواده‌های کوچک و هسته‌ای متمرکز شد. محور ثقل کنش متقابل در این

خانواده‌ها، یک زوج جوان بود که جز همسرشان شریک فکری و عاطفی دیگری نمی‌شناختند. از دیدن گیدنز، تمرکز کنش متقابل گرم و صمیمانه در دایره تنگ خانواده هسته‌ای، زمینه ساز پیوند خوردن عشق و ازدواج بوده است. گیدنز شکل‌گیری این ارتباط میان عشق و زناشویی و نهادینه شدنش در قالب هسته‌ای و روابط صمیمانه زناشویی را ناشی از بازآرایی چایگاه فرد در محیط جدید مدرن می‌داند. در عصر مدرن، از سویی به دلیل کوچک بودن اندازه خانواده هسته‌ای و پیدایش روش‌های کنترل جمعیت، پیوند میان رابطه جنسی و بارداری گسسته شد و از سوی دیگر، به دلیل چروکیده شدن حجم خانواده‌ها، همسر- یعنی شریک جنسی رسمی- به صورت مهمترین شریک زندگی بازتعریف شد. به این شکل همزمان با شکل‌گیری فضاهای خصوصی و روابط گرم و عاطفی پشت صحنه، جنسیت به امری خصوصی، شخصی، کنترل‌شده و لذتبخش تبدیل شد که از زیر سلطه تابوهای محدود کننده یا جبر خطر ساز زیستی رها شده بود (گیدنز، ۱۹۹۲: ۲۹). از طرفی در شرایط کنونی با توجه به تحولاتی که در دنیای جدید در حال رخ دادن است، گسترش فزاینده فناوری‌های نوین ارتباطی از عوامل تاثیر گذار بر باز اندیشی تعاملات می‌باشد. گیدنز معتقد است که با حضور فناوری‌های نوین ارتباطی ما می‌توانیم در هر زمان و هر کسی در هر نقطه‌ای از جهان ارتباط برقرار کنیم که این ارتباط‌آنی بسیاری از جنبه‌های زندگی ما را تغییر می‌دهد و ساختار زندگی ما تحت تاثیر این تکنولوژی‌ها، نه با گذشته، بلکه بیشتر به آینده نزدیک است و در مقایسه با گذشته، عادت‌ها، رسوم و سنت‌ها، نقش کمتری دارند (گیدنز، ۱۳۸۰: ۶۱). به اعتقاد وی، در جوامع معاصر که تکثرگرا، متنوع و در حال تغییرند و همه چیز مورد مذاقه قرار می‌گیرد، «خود» نیز به پروژه‌ای بازاندیشانه تبدیل می‌شود و تنوع مراجع، انتخاب شیوه زندگی، تعاملات و کنش‌های فردی بیش از پیش در ساخت هویت و فعالیت‌های روزمره اهمیت می‌یابد (گیدنز، ۱۳۷۸: ۲۱). تجربیات تازه و متنوع، زمینه را برای تنوع روش‌های عمل مهیا می‌سازد. چنین شرایطی، زمینه را برای بریدن از الگوهای رفتاری جاافتاده آماده می‌کند که این امر ممکن است خطراتی هم در پی داشته باشد (همان، ۱۱۵).

زیگمونت باومن (۲۰۰۳) برای توصیف تغییرات ایجاد شده در روابط بین دو جنس در فضای مجازی سیال مدرن، اصطلاح "تماس‌های شبکه‌ای" را به کار برده است. از نظر باومن، مدرنیته در دو مرحله باعث ایجاد این تغییرات شده است که مرحله اول را "مدرنیته جامد" و مرحله دوم را "مدرنیته سیال" می‌نامد. اگر چه ویژگی دائمی مدرنیته از همان ابتدا ذوب کردن جامدات بوده است (باومن، ۲۰۰۰: ۶)، ولی مرحله اول

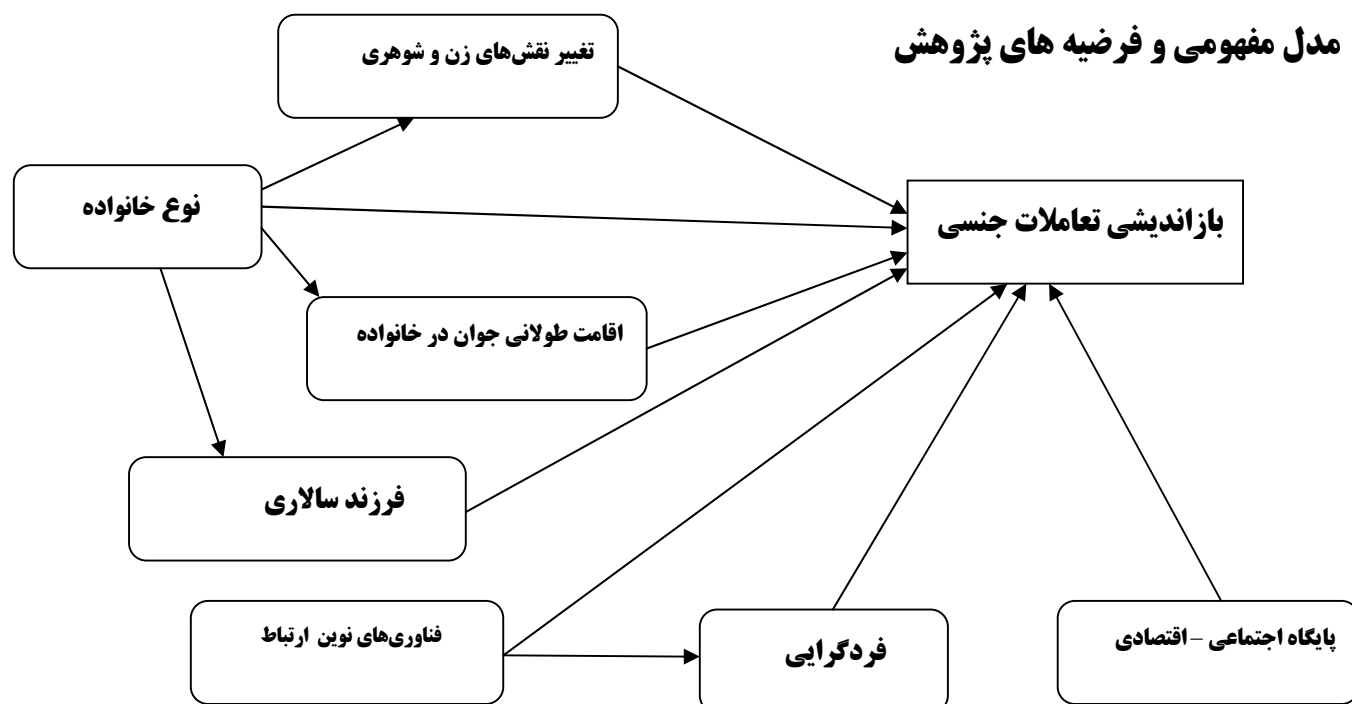
مدرنیته با ذوب کردن جامدات باقیمانده از جامعه سنتی، عرصه را برای تاخت و تاز و تسلط عقلانیت ابزاری<sup>۱</sup> - آنگونه که ماکس وبر می‌گویی - و نقش تعیین کننده اقتصاد - آنگونه که مارکس بر شمرده است - باز گذاشته بود. در نتیجه، اقتصاد به طور پیش‌رونده‌ای از حصارهای سیاسی، اخلاقی و فرهنگی سنتی رها شده و نظم جدیدی جایگزین گردید. این نظم جدید، جامد تر از نظمی بود که جایگزینش شده بود، زیرا نسبت به چالش‌های ناشی از کنش غیر اقتصادی ایمن‌تر بود. جامداتی که نوبت آنها در زمان حاضر (زمان مدرنیته سیال) برای انداخته شدن در دیگ ذوب جامدات فرا رسیده است، پیوندهایی هستند که انتخاب‌های فردی در پروژه‌ها و کنش‌های جمعی - الگوهای ارتباطات و هماهنگی بین سیاست‌های زندگی که به طور فردی هدایت می‌شوند، از یک طرف و کنش‌های سیاسی اجتماعات انسانی را از طرف دیگر با هم درگیر می‌کند، (باومن ۲۰۰: ۴). اکنون ما در حال حرکت از عصر گروه‌های مرجع<sup>۲</sup> از پیش تعیین شده به سوی عصر جدید مقایسه جهانی<sup>۳</sup> هستیم؛ عصری که در آن تمامی ترکیب‌ها، شکل‌ها و الگوها به داخل ظرف جامدات ریخته شده‌اند تا در قالب و طرح جدیدی در انداخته شوند، ولی این الگوها نیز نمی‌توانند مانند سیالات دیگر شکل خود را برای مدت طولانی حفظ کنند و شکل دادن به آنها آسان‌تر از حفظ شکل آنهاست. حفظ شکل سیالات نیازمند توجه بسیار، مراقبت ثابت و تلاش دائمی است. مسئولیت شکست در این تلاش‌ها، در درجه اول بر عهده خود شخص می‌افتد (همان، ص ۸). از نظر باومن، مدرنیته سیال وضعیت اجتماعی و فرهنگی جهان معاصر است که ما از آن دوسوگرایی، دگرگونی اجتماعی و انعطاف‌پذیری نهادی را به ارث برده‌ایم (بین کلی، ۲۰۰۸: ۶۰۲).

طبق نظریه باومن، فاصله مدرنیته جامد و سیال، مجموعه بی‌سابقه و جدیدی را برای فعالیت‌های مربوط به زندگی فردی خلق کرده و باعث شده است افراد با چالش‌هایی روبه‌رو شوند که پیشتر با آن مواجه نبودند. اشکال اجتماعی و موسسات گوناگون توانایی زیادی برای ثابت نگه داشتن قالب‌ها و چارچوب‌های فعالیت انسانی و طرح‌های طولانی و بلند مدت زندگی را ندارند و نمی‌توانند در این زمینه هم موفق باشند. بنابراین، افراد مجبور به یافتن مسیرهای دیگری برای سازمان دادن به زندگی‌شان هستند و در این مسیر

---

۱ instrumental rationality  
۲ reference group  
۳ universal comparison  
۴ Binkley

مجموعه ای از پروژه‌های کوتاه مدت و ناتمام را به همدیگر تابیده، روی هم قرار می‌دهند. این پروژه‌های به‌هم تابیده منجر به رشته محکم و متصلی نخواهد شد که به کمک آن، مفاهیمی چون پیشرفت به صورت هدفمند مورد استفاده قرار بگیرد. چنین زندگی‌ها و فعالیت‌های منفک شده و جدا از هم نیازمند افرادی انعطاف‌پذیر است که می‌توانند خودشان را تطبیق دهند، به صورت مداوم آماده و متمایل به تغییر تاکتیک با همان اطلاعات کوتاه باشند، به تعهدات و وفاداری‌ها بدون هیچگونه اظهار تاسفی بی‌تفاوت باشند و طبق توانایی‌های موجود به دنبال فرصت‌ها بگردند. در مدرنیته سیال، افراد باید تحت شرایط عدم اطمینان رفتار کنند و حساب سود و زیان کردارهای خود را داشته باشند (بیلهرز، ۲۰۰۱، ۳۳۹). هویت دیگر در مدرنیته سیال، پروژه ثبات، نظم تحمیلی یا وابستگی‌های گروهی مشترک نیست و در احساس تعلق و آسودگی عواطف پایدار یا مکان یا اجتماع ملی جایی ندارد و به امری دائماً تغییرپذیر و سازگار با وضعیت پایدار بی‌قراری و آشفتگی تبدیل می‌شود (باومن، ۲۰۰۵: ۱۲۸). در مدرنیته سیال، پیوندهای اجتماعی ضعیف و سطوح بالای تحرک فردی الگوهای جدیدی از آگاهی از هویت را ایجاد می‌کند که بر مبنای منطق به حداقل رسانیدن تعهدات نهادی، انعطاف‌پذیری مسئولیت بین فردی و پذیرفتن یک وضعیت پایدار تجزیه اجتماعی قرار دارد (بین کلی، ۲۰۰۸: ۶۰۲).



با توجه به ابعاد و وجوه دیدگاه‌های صاحبان اندیشه‌ای که نظریات‌شان برشمرده شد و نیز نتایج استنباط شده از دیدگاه‌های آنها، فرضیه‌های تحقیق به قرار زیر است:

- بین فرزند سالاری در خانواده و بازاندیشی تعاملات جنسی جوانان رابطه معناداری وجود دارد.
- بین تغییر نقش‌های زن و شوهری در خانواده و بازاندیشی تعاملات جنسی جوانان رابطه معناداری وجود دارد.
- بین اقامت طولانی جوانان در خانواده و بازاندیشی تعاملات جنسی جوانان رابطه معناداری وجود دارد.
- بین پایگاه اجتماعی- اقتصادی فرد و بازاندیشی تعاملات جنسی جوانان رابطه معناداری وجود دارد.
- بین فردگرایی و بازاندیشی تعاملات جنسی جوانان رابطه معناداری وجود دارد.
- بین استفاده از فناوری‌های نوین ارتباطی و بازاندیشی تعاملات جنسی جوانان رابطه معناداری وجود دارد.
- از نظر بازاندیشی روابط جنسی جوانان بین جوانان خانواده‌های مدرن و خانواده‌های ایرانی- اسلامی تفاوت معناداری وجود دارد.

## **روش‌شناسی پژوهش**

از بین روش‌های تعریف شده از طرف صاحب‌نظران علوم اجتماعی، روش تحقیق حاضر را باید از نوع پیمایشی<sup>۱</sup> دانست. پژوهش از نوع مطالعات مقطعی، پنهانگر، توصیفی و کاربردی است که در سطح جامعه‌شناسی خرد انجام می‌شود و مراحل آن شامل مطالعه اکتشافی، تنظیم پرسشنامه، جمع‌آوری اطلاعات و تجزیه و تحلیل آماری داده‌هاست. محقق جهت اخذ و جمع‌آوری اطلاعات به روز اقدام به تهیه پرسشنامه نموده است.

روایی و اعتبار پرسشنامه تهیه شده توسط چند صاحب‌نظر در زمینه جمعیت‌شناسی، جامعه‌شناسی و روانشناسی مرور شده و اعتبار صوری و محتوایی پرسشنامه مورد ارزیابی قرار گرفت. همچنین، ۱۰ نفر از پاسخگویان در یک پیش‌آزمون پرسشنامه‌ها را تکمیل و سوالات مبهم و یا نامفهوم توسط آنان شناسایی و اصلاح شد. برای آزمودن پایایی پرسشنامه نیز از ضریب آلفای کرونباخ استفاده به عمل آمد. ضرایب آلفای

---

۱. Survey

کرونباخ برای شاخص‌های میزان فرزند سالاری، اقامت طولانی مدت در خانواده، فردگرایی، استفاده از فناوری‌های نوین، تغییر نقش زن و شوهری و بازاندیشی در تعاملات جنسی، به ترتیب برابر با ۰/۷۸، ۰/۷۰، ۰/۷۶، ۰/۸۳، ۰/۷۵ محاسبه گردید که از قابلیت اعتماد بالایی برخوردارند.

جامعه آماری تحقیق شامل دانشجویان سنین ۱۸ تا ۲۹ ساله دانشگاه‌های استان تهران اعم از مجرد و متأهل می‌باشد. نمونه‌گیری به روش خوشه‌ای چند مرحله انجام شد. سطح اول نمونه‌گیری، نوع دانشگاه و سطح دوم گروه تحصیلی در نظر گرفته شد. نمونه پژوهش از ۴ دانشگاه دولتی و سه دانشگاه آزاد انتخاب شد. حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران ۳۸۴ نفر در نظر گرفته شد. حدود نیمی از شرکت کنندگان در مطالعه از دانشگاه‌های آزاد (۴۸/۵) و بقیه از دانشگاه‌های دولتی بودند (۵۱/۵). معیار ورود به مطالعه، دارا بودن سن بین ۱۸ تا ۲۹ سال و تحصیل در مقاطع مختلف دانشگاهی در دانشگاه‌های تهران بود. در این پژوهش تلاش شد پرسشنامه به صورت بی‌نام باشد و شرکت کنندگان با رضایت آگاهانه به تمام سوالات مربوطه پاسخ بدهند. پس از هماهنگی‌های لازم و تشریح اهداف تحقیق و جلب رضایت پاسخگویان، پرسشنامه توزیع و به روش خود ایفایی تکمیل گردید. پس از گردآوری داده‌ها، براساس آمارهای توصیفی و استنباطی و با استفاده از نرم افزارهای SPSS و مدل‌یابی معادلات ساختاری با نرم افزار Amos، داده‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

## **تعریف مفاهیم پژوهش**

### **بازاندیشی**

منظور از بازاندیشی، ترکیب اندیشه و کنش است - به نحوی که ضمانت سنت و عرف را در پی نداشته باشد؛ یعنی بازاندیشی از نوع دوره مدرن با شرایطی که تردید و تجدید نظر پایدار در زندگی اجتماعی حاصل شود و عملکردهای اجتماعی دائماً در معرض بازسنجی قرار بگیرند (فرهمنند و همکاران، ۱۳۹۳). برای عملیاتی کردن این متغیر ۸ گویه در قالب طیف لیکرت طراحی شد. سطح سنجش این متغیر ترتیبی و پرسشنامه محقق ساخته بود که به میزان دگرگونی نگرشی نسبت به مسائل جنسی در ایران پرداخته شد. در این مورد به مسائلی از قبیل، افزایش سن ازدواج، روابط جنسی پیش از ازدواج، دوستی دختران و پسران،

برقراری دوستی همزمان با چندین نفر، روابط جنسی فرا زناشویی، روابط جنسی نامتعارف که تا کنون وجود نداشته مانند روابط جنسی مجازی در فضای اینترنت و گسترش روابط همجنس‌گرایی پرداخته شد.

### فناوری های ارتباطی نوین

برای سنجش میزان استفاده از فناوری های نوین ارتباطی، ۴ گویه در قالب طیف لیکرت درباره میزان استفاده از این فناوری های طراحی گردید.

### اقامت طولانی جوانان در خانواده

این متغیر با شاخص‌های از قبیل افزایش سن ازدواج، مدت زمان حضور جوان در خانواده، به تاخیر افتادن استقلال مالی و وابستگی به خانواده، میزان ارتباط و صمیمیت جوانان با والدین، با ۵ گویه در قالب طیف لیکرت و سطح سنجش ترتیبی مورد ارزیابی قرار گرفت.

### خانواده مدرن

الگوی خانواده مدرن مدنی برآمده از ادبیات گفتمانی جامعه مدنی لیبرالیستی در ایران است. گفتمان جامعه مدنی بر مبنای فردگرایی نفع‌انگاری، عقلانیت و تکثرگرایی است (دارابی، ۱۳۸۹: ۲۷۸). حدود یک دهه از طرح الگوی خانواده مدرن مدنی به صورت نظری و ساختارمند در ایران می‌گذرد. قرابت گفتمانی این الگو همچنین با اندیشه لیبرالیسم و آگاهی و معرفت بازاندیشانه نیز بررسی می‌شود (جلایی‌پور، ۱۳۸۶: ۱۶۷). به علاوه، این الگو از دو پارادایم تفسیری و انتقادی و به طور خاص، نظریه دموکراسی گفت و گویی<sup>۱</sup> و دموکراسی عاطفی آنتونی گیدنز و نظریه کنش ارتباطی<sup>۲</sup> و عرصه عمومی<sup>۳</sup> یورگن هابرماس متأثر است (صادقی‌فسایی، ۱۳۹۱: ۳۵). در تعریف عملیاتی خانواده مدرن ۱۰ گویه در سطح سنجش ترتیبی استفاده شد که شامل مولفه‌های همچون: کنترل باروری، فرزندان محدود، جامعه‌پذیری محدود فرزندان، پرهزینه بودن فرزندان، انتخاب فردی در ازدواج، سن دلبخواهی ازدواج، اوقات فراغت فردی، اصالت علقه‌های عاطفی در امر ازدواج، آموزش روابط دمکراتیک، تکالیف و انتظارات نقشی متغیر، تامین عاطفی دوطرف، فرزندان ایفاگر ارزش‌های مدنی، دختر = پسر، جدایی تفاهمی، توازن و تساوی روابط و غیره می‌باشد.

---

۱- Dialogic Democracy

۲- Communicative Action

۳- Public Sphere



## خانواده ایرانی - اسلامی

یکی از ویژگی‌های مهم الگوی خانواده ایرانی اسلامی، تکیه بر دو بعد هویتی دینی و ملی به صورت توأمان با یکدیگر است. الگوی خانواده‌ی ایرانی اسلامی الگویی برآمده از ارزش‌های فرهنگی اجتماعی دینی با قالبی ملی است. این جریان معتقد است با عنایت به جامعیت دین اسلام به عنوان دین خاتم، تمامی مؤلفه‌های لازم برای زندگی اجتماعی در آموزه‌های اسلام وجود دارد (مطهری، ۱۳۸۵: ۶۳؛ دارابی، ۱۳۸۹: ۱۳۸). در تعریف عملیاتی خانواده مدرن ۱۳ گویه در سطح سنجش ترتیبی استفاده شد که شامل مؤلفه‌هایی همچون مؤلفه‌های خانواده‌ی ایرانی اسلامی شامل تولید نسل، جامعه‌پذیری، کنترل اجتماعی، مسئولیت-پذیری فرزندان، صله ارحام، تنظیم روابط جنسی، مدیریت داخل خانه زنانه، سرپرستی مرد بر خانواده، کار بیرون مردانه، امکان مشارکت اجتماعی بیرونی زن، تصمیم‌سازی مشترک، عدالت جنسیتی و نه مساوات، ازدواج آسان در اوایل سنین جوانی، تفاهم تطابق و همدلی و غیره می‌باشد.

## یافته‌های پژوهش

از مجموع پاسخگویان، ۱۹۸ نفر معادل با ۵۱/۵۶ درصد را مردان و ۱۸۲ نفر معادل با ۴۸/۴۳ درصد را زنان تشکیل می‌دادند. میانگین سنی پاسخگویان ۲۳/۷ سال و محدوده سنی پاسخگویان بین ۱۵ تا ۲۹ سال بود که ۲۱/۶ درصد از آنها، در گروه سنی ۱۵-۲۹ سال، ۴۴/۲ درصد از آنها در گروه سنی ۲۰-۲۴ سال و ۳۴/۲ درصد در گروه سنی ۲۵-۲۹ قرار داشتند. از مجموع ۳۸۴ پاسخگو، ۷۷/۸ درصد مجرد و ۲۲/۲ درصد متأهل بودند. همچنین مقطع تحصیلی ۲۴۹ نفر معادل ۶۴/۸ درصد کارشناسی، ۹۱ نفر معادل با ۲۳/۷ درصد کارشناسی ارشد و ۴۴ نفر معادل ۱۱/۴۵ درصد کل پاسخگویان در مقطع دکتری بودند.

جدول ۱: توصیف متغیرهای تحقیق

متغیر	میزان	فراوانی	درصد	میانگین
فرزند سالاری در خانواده	کم	۵۱	۱۳/۲۸	۱۷/۹۵
	متوسط	۲۶۶	۶۹/۲۷	
	زیاد	۶۷	۱۷/۴۴	
اقامت طولانی مدت جوانان در خانواده	کم	۱۱۸	۳۰/۷۲	۱۸/۲
	متوسط	۱۷۳	۴۵/۰۵	
	زیاد	۹۳	۲۴/۲۱	

۱۹/۰۳	۱۸/۷۵	۷۲	کم	فردگرایی
	۳۷/۷۶	۱۴۵	متوسط	
	۴۳/۴۸	۱۶۷	زیاد	
۲۱/۰۲	۹/۳۷	۳۶	کم	استفاده از رسانه‌های نوین ارتباطی
	۵۲/۶	۲۰۲	متوسط	
	۳۸/۰۲	۱۴۶	زیاد	
۱۷/۵۶	۵/۹۸	۲۳	کم	تغییر در نقش‌های زن و شوهری
	۴۶/۳۵	۱۷۸	متوسط	
	۴۷/۶۵	۱۸۳	زیاد	
۲۰/۱۳	۲۴/۴۷	۹۴	پایین	پایگاه اقتصادی اجتماعی
	۵۴/۹۴	۲۱۱	متوسط	
	۲۰/۵۷	۷۹	بالا	
۱۹/۱	۱۵/۱	۵۸	کم	بازاندیشی تعاملات جنسی
	۵۹/۱۱	۲۲۷	متوسط	
	۲۵/۷۸	۹۹	زیاد	

با توجه به جدول ۱، از نظر ۱۳/۲۸ درصد فرزندسالاری در خانواده کم، ۱۷/۴۴ درصد زیاد و ۶۹/۲۷ درصد متوسط بوده است. ۱۱۸ نفر از پاسخگویان معادل با ۳۰/۷۲ درصد از کل پاسخگویان دوره اقامت جوانان در خانواده را کوتاه، ۴۵/۰۵ درصد متوسط و ۲۴/۲۱ درصد نیز اقامت جوانان را طولانی گزارش کردند. در بین پاسخگویان میزان فردگرایی ۴۳/۴۸ درصد زیاد، ۳۷/۳۶ درصد متوسط و ۱۸/۷۵ درصد کم گزارش شد. میزان استفاده از فن‌آوری‌های نوین ارتباطی برای ۵۲/۶ درصد از پاسخگویان متوسط، ۳۸/۰۲ درصد زیاد و ۹/۳۷ درصد نیز کم گزارش شد. از کل پاسخگویان، ۵/۹۸ درصد تغییر در نقش زن و شوهری را کم، ۴۷/۶۵ درصد زیاد و ۴۶/۳۵ درصد متوسط گزارش کردند. پایگاه اقتصادی- اجتماعی ۲۴/۴۷ درصد از کل پاسخگویان پایین، ۵۴/۹۴ درصد متوسط و ۲۰/۵۷ درصد بالا گزارش شد. ۱۵ درصد از پاسخگویان در بازاندیشی در تعاملات جنسی پایین، ۵۹/۱۱ درصد داری بازاندیشی متوسط و ۲۵/۷۸ درصد از پاسخگویان داری بازاندیشی زیاد بودند.

## بررسی فرضیه های پژوهش

جدول ۲: توزیع میانگین نمره های بازاندیشی تعاملات جنسی در خانواده های ایرانی - اسلامی و خانواده های مدرن

ایرانی

متغیر	خانواده های ایرانی - اسلامی		خانواده های مدرن ایرانی		فاصله اطمینان ۹۵ درصد	مقدار T	سطح معناداری
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار			
باز اندیشی در تعاملات جنسی	۳۱,۴۲	۳,۳۵	۵۲,۶۰	۵,۸۸۱	حد بالا: ۱۱,۲۰ حد پایین: ۲۵,۱۲	۳۳,۰۱۷	۰,۰۰۴

با توجه به جدول ۲، مشاهده می شود که در میانگین نمره بازاندیشی تعاملات جنسی در خانواده های مدرن ایرانی و خانواده های ایرانی - اسلامی از نظر آماری تفاوت معناداری وجود دارد؛ به این معنی که جوانانی که در خانواده های مدرن زندگی می کنند از نظر بازاندیشی در تعاملات جنسی نسبت به جوانانی که در خانواده های ایرانی - اسلامی زندگی می کنند وضعیت متفاوتی دارند و میزان بازاندیشی در تعاملات جنسی در جوانان خانواده های مدرن بیشتر است. بدین ترتیب فرض این تحقیق مورد تایید قرار می گیرد. ( $t=33/017$  و  $sig=0/040$ ) بنابراین با توجه به اختلاف میانگین ها، بین جوانان خانواده های مدرن و جوانان خانواده های ایرانی - اسلامی از لحاظ بازاندیشی در تعاملات جنسی تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول ۳: نتایج آزمون اسپیرمن و تاووبی کندال برای متغیرهای تحقیق

مستقل وابسته	فرزند سالاری	اقامت طولانی مدت در خانواده	فردگرایی	استفاده از فناوری های نوین ارتباطی	پایگاه اجتماعی اقتصادی	تغییر در نقش زن و شوهری
بازاندیشی در تعاملات جنسی	همبستگی رواسپیرم ۰/۳۱ سطح معناداری ۰/۰۰۱	همبستگی رواسپیرم ۰/۱۸,۹ سطح معناداری ۰/۰۴۲	همبستگی رواسپیرم ۰/۲۹ سطح معناداری ۰/۰۴۰	همبستگی رواسپیرم ۰/۳۹ سطح معناداری ۰/۰۵۰	همبستگی رواسپیرم ۰/۲۶ سطح معناداری ۰/۰۴۰	همبستگی رواسپیرم ۰/۲۷ سطح معناداری ۰/۰۱۰
	تاووبی کندال ۰/۳۰ سطح معناداری ۰/۰۰۴	تاووبی کندال ۰/۱۷,۲ سطح معناداری ۰/۰۳۶	تاووبی کندال ۰/۲۷ سطح معناداری ۰/۰۰۴	تاووبی کندال ۰/۳۶ سطح معناداری ۰/۰۳۲	تاووبی کندال ۰/۲۵ سطح معناداری ۰/۰۱۴	تاووبی کندال ۰/۲۶ سطح معناداری ۰/۰۱۵

برای بررسی رابطه بین این متغیرها، از آزمون همبستگی اسپیرمن و ضریب تای - بی کندال استفاده شده است. داده‌های جدول حاکی از آن است که بین میزان فرزند سالاری، اقامت طولانی مدت جوانان در خانواده، فردگرایی، استفاده از فناوری‌های ارتباطی نوین، تغییر نقش زن و شوهری و پایگاه اجتماعی - اقتصادی با میزان بازاندیشی تعاملات جنسی رابطه معناداری مشاهده می‌شود. در بین این متغیرها، قوی‌ترین رابطه مربوط به رابطه استفاده از فناوری‌های نوین ارتباطی و میزان بازاندیشی در تعاملات جنسی می‌باشد. میزان همبستگی اسپیرمن بین این دو متغیر برابر با ۰/۳۹ و شدت رابطه (تای - بی کندال) برابر ۰/۳۶ می‌باشد که نشان می‌دهد رابطه نسبتاً قوی بین این دو متغیر وجود دارد (سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد). به عبارتی، هرچه میزان استفاده از وسایل ارتباطی نوین افزایش یافته است، میزان بازاندیشی در تعاملات جنسی نیز افزایش یافته است. از طرفی، ضعیف‌ترین رابطه مربوط به رابطه بین متغیر اقامت طولانی در خانواده و بازاندیشی تعاملات جنسی جوانان می‌باشد که در آن با وجود معنی‌دار بودن رابطه (sig=۰/۰۵)، میزان همبستگی برابر با ۰/۱۸ و میزان تای - بی کندال برابر با ۰/۱۷ می‌باشد که نشان دهنده رابطه ضعیف بین دو متغیر مذکور می‌باشد. لذا بر این اساس و با توجه به ضرایب همبستگی و سطح معناداری حاصل شده، بین متغیرهای مستقل پژوهش و بازاندیشی در تعاملات جنسی جوانان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. به عبارتی، تغییر در میزان فرزندسالاری، اقامت طولانی مدت جوانان در خانواده، فردگرایی، استفاده از فناوری‌های ارتباطی نوین، تغییر در نقش زن و شوهری منجر به تغییر در میزان بازاندیشی تعاملات جنسی جوانان گردیده است.

### تحلیل‌های رگرسیونی برای تبیین بازاندیشی در تعاملات جنسی

جدول ۴: خلاصه مدل رگرسیون گام به گام همراه با ضریب تعیین، ضریب تعدیل شده،  $F$  و  $P$

p	F	$R^2$ (Ad)	$R^2$	R	متغیر	
		ضریب تعیین تعدیل شده	ضریب تعیین	ضریب همبستگی		
۰/۰۰۰	۳۳/۹۰	۰/۰۹۴	۰/۰۹۶	۰/۳۱۰	استفاده از فناوری‌های ارتباطی	۱
۰/۰۰۰	۳۸/۸۰	۰/۰۹۴	۰/۱۵۲	۰/۳۹۰	فردگرایی	۲
۰/۰۰۱	۳۸/۶۸	۰/۱۶۰	۰/۱۶۰	۰/۴۰۱	تغییر در نقش زن و شوهری	۳
۰/۰۰۱	۳۸/۶۰	۰/۱۷۸	۰/۱۷۸	۰/۴۲۳	پایگاه اقتصادی - اجتماعی	۴
۰/۰۰۱	۳۷/۵۸	۰/۱۸۳	۰/۱۸۳	۰/۴۲۸	فرزند سالاری	۵

به منظور ارزیابی قدرت تبیین متغیرهای پیش بین مطرح شده که روابط آنها پیش از این به آزمون گذاشته شده، از روش تحلیل خطی چند متغیره، به روش گام به گام استفاده گردید. جهت استفاده از رگرسیون گام به گام، با توجه به نتایج آزمون فرضیات عمل شده، تنها متغیرهای پیش بینی در معادله وارد گردید که بر اساس نتایج آزمون‌های انجام شده، رابطه معنی داری میان آنها با متغیر ملاک مشاهده شده است. بنابراین، شاخص‌های استفاده از فناوری‌های نوین ارتباطی، فرزندسالاری، فردگرایی، تغییر در نقش زن و شوهری، پایگاه اجتماعی اقتصادی به عنوان متغیرهای پیش بین مدنظر قرار گرفتند. نتایج آزمون رگرسیون گام به گام نشان داد که در گام اول، استفاده از فناوری‌های ارتباطی بیشترین تاثیر را در رگرسیون چند متغیره داشته و وارد معادله گردیده است. سپس به ترتیب مولفه‌های فردگرایی، تغییر در نقش زن و شوهری، پایگاه اقتصادی- اجتماعی و فرزند سالاری وارد معادله شدند (جدول ۴). براساس ترتیب متغیرهای پیش بین در تحلیل رگرسیون گام به گام در اولین گام استفاده از فناوری‌های نوین با بازاندیشی تعاملات جنسی دارای ضریب همبستگی ۰/۳۱۰ بوده است. در گام دوم، با افزوده شدن متغیر فردگرایی ضریب همبستگی چند گانه به ۰/۳۹۰ رسیده است. میزان ضریب همبستگی چندگانه افزوده شده برابر با ۰/۰۸۰ بوده است. در گام بعدی، با افزوده شدن متغیر تغییر در نقش زن و شوهری ضریب همبستگی به ۰/۴۰۱ و با وارد شدن پایگاه اجتماعی اقتصادی ضریب همبستگی ۰/۴۲۳ و در نهایت در گام آخر با افزوده شدن فرزندسالاری ضریب همبستگی به ۰/۴۲۸ رسیده است. در مجموع این سه متغیر قادر به تبیین ۱۸/۳ درصد واریانس باز اندیشی در تعاملات جنسی جوانان بوده اند.

جدول ۵: رگرسیون گام به گام همراه با ضرایب بتا، ضرایب استاندارد شده بتا، T و P

	متغیر	ضریب غیر استاندارد (B)	ضریب استاندارد (Beta)	T- value (ارزش T)	Sig (معناداری)
	مقدار ثابت	۱۶/۱۵۴	----	۱۰/۵۳۹	۰/۰۰۲
۱	استفاده از فناوری‌های ارتباطی	۰/۳۹۱	۰/۴۱۹	۵/۹۰	۰/۰۰
۲	فرد گرایی	۰/۲۷۴	۰/۳۰۸	۴/۳۱	۰/۰۰
۳	تغییر در نقش زن و شوهری	۰/۲۳۰	۰/۲۳۹	۰/۳۴۱	۰/۰۳
۴	پایگاه اقتصادی- اجتماعی	۰/۲۱۳	۰/۲۳۴	۰/۳۱۴	۰/۰۱۱
۵	فرزند سالاری	۰/۲۰۳	۰/۲۱۲	۰/۳۸	۰/۰۰۲

همانطور که در جدول ۵ مشاهده می گردد، در تحلیل رگرسیون گام به گام طی گام نهایی ۵ متغیر برای پیش بینی میزان بازاندیشی تعاملات اجتماعی وارد معادله رگرسیون شدند. به ترتیب مولفه های استفاده از رسانه های نوین با ضریب استاندارد بتا ۰/۴۱۹، فردگرایی ۰/۳۰۸، تغییر در نقش زن و شوهری ۰/۲۳۹، پایگاه اقتصادی- اجتماعی ۰/۲۳۴ و فرزندسالاری ۰/۲۱۲ توان پیش بینی معناداری برای بازاندیشی تعاملات جنسی جوانان داشته اند ( $P < ۰/۰۰۱$ ). این ضرایب استاندارد بتا بدین معنی است که به ازای یک واحد تغییر در استفاده از رسانه های ارتباطی، فردگرایی، تغییر در نقش زن و شوهری، پایگاه اقتصادی- اجتماعی و فرزندسالاری به تفکیک ۰/۴۱۹ واحد برای فناوری های نوین، ۰/۳۰۸ واحد برای فردگرایی، ۰/۲۳۹ واحد برای تغییر در نقش زن و شوهری، ۰/۲۳۴ واحد برای پایگاه اجتماعی اقتصادی و ۰/۲۱۲ واحد برای فرزند سالاری در بازاندیشی تعاملات جنسی جوانان به وقوع می پیوندد. معادله رگرسیون نهایی برای باز اندیشی تعاملات جنسی به شرح زیر است :

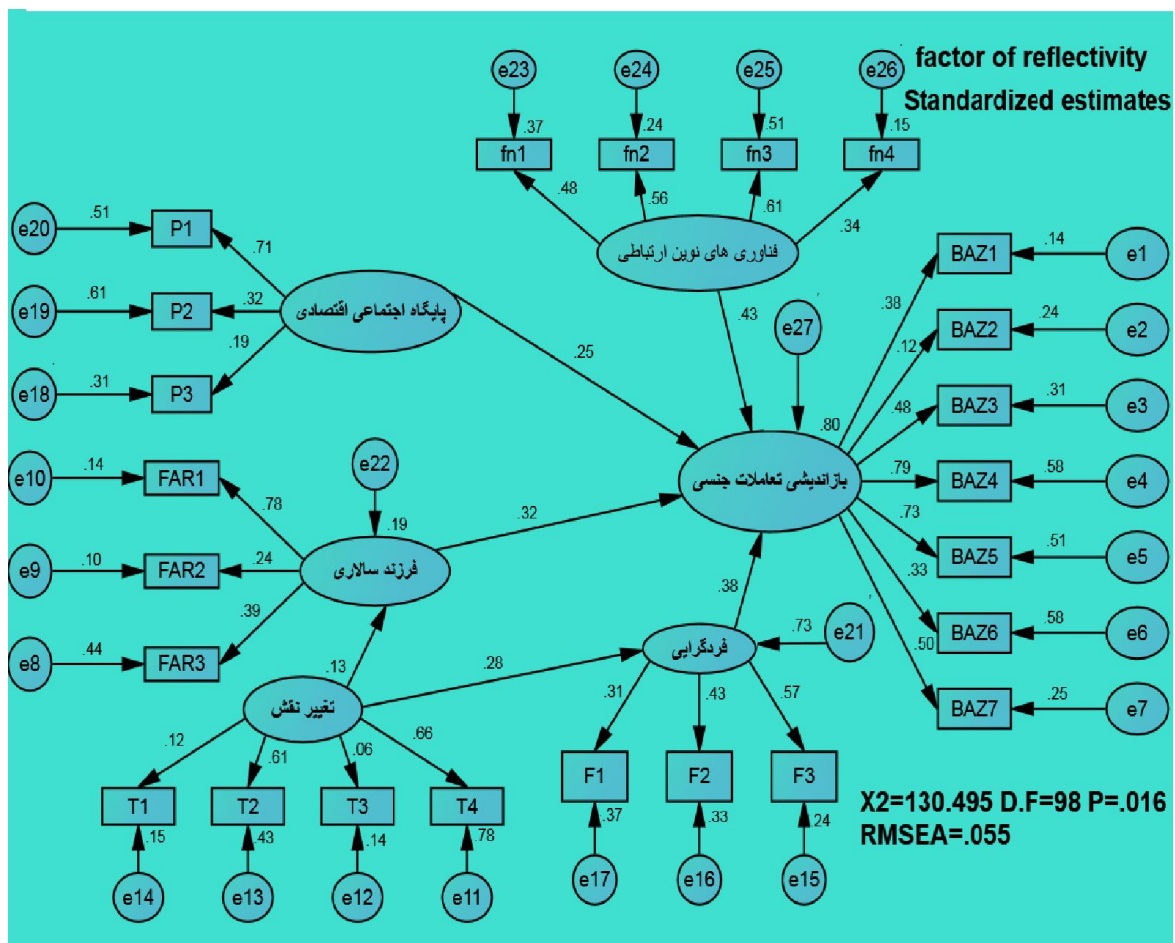
۰/۲۰۳ فرزند سالاری + ۰/۲۱۳ پایگاه اجتماعی اقتصادی + ۰/۲۳۰ تغییر نقش زن و شوهری + ۰/۲۷۴ فردگرایی + ۰/۳۹۱ فناوری های نوین ارتباطی + ۱۶/۱۵۴ = باز اندیشی تعاملات جنسی

### مدل اندازه گیری پژوهش

به منظور بررسی اعتبار ابزار سنجش از طریق تحلیل عاملی تاییدی در ابتدا نرمال بودن داده های جمع آوری شده توسط هر گویه - که توسط دو شاخص کشیدگی و چولگی در نرم افزار آموس سنجیده می شود - تایید شد. این مقادیر باید برای کشیدگی بین  $\pm ۷$  و برای چولگی بین  $\pm ۳$  باشند. سپس در گام بعدی اعتبار سازه مدل مورد بررسی قرار گرفت که برای سنجش آن از اعتبار همگرایی و اعتبار افتراقی استفاده شد. در اعتبار همگرایی هر یک از بارهای عاملی باید بزرگتر یا مساوی با ۰/۰۵ باشند و در اعتبار افتراقی به منظور بررسی عدم همپوشانی بین سازه های پرسشنامه در ارتباط با گویه های مورد سنجش آن، همبستگی بین هر دو سازه نبایستی بیشتر از ۰/۹ باشد. در نهایت به بررسی برازش مدل بر اساس شاخص های مربوطه پرداخته می شود. جدول زیر تحلیل عاملی گویه های پرسشنامه تحقیق را نشان می دهد.

جدول ۶: نتایج تحلیل عاملی تاییدی برای گویه های پرسشنامه

سازه	گویه ها	کشیدگی	چولگی	بارعاملی	سطح معناداری	نتیجه	روایی مرکب
پایگاه اجتماعی- اقتصادی	P <sub>۱</sub>	-۰/۵۵۳	-۰/۵۷۶	۰/۷۴۳	۰/۰۰۳	معنادار	۰/۷۶۸
	P <sub>۲</sub>	-۰/۵۰۲	-۰/۵۶۷	۰/۷۳۵	۰/۰۰۱	معنادار	
	P <sub>۳</sub>	-۰/۱۴۳	-۰/۵۴۲	۰/۶۳۱	۰/۰۰۲	معنادار	
فردگرایی	F <sub>۱</sub>	-۰/۵۲۳	-۰/۷۳۹	۰/۸۹۷	۰/۰۰۱	معنادار	۰/۸۱۱
	F <sub>۲</sub>	-۰/۱۱۴	-۰/۸۲۴	۰/۸۷۱	۰/۰۳۰	معنادار	
	F <sub>۳</sub>	-۰/۱۹۶	-۰/۷۶۵	۰/۷۶۹	۰/۰۰۱	معنادار	
تغییر در نقش های زن و شوهری	T <sub>۱</sub>	۰/۲۰۳	-۰/۵۲۶	۰/۴۹۱	۰/۰۰۱	معنادار	۰/۸۶۲
	T <sub>۲</sub>	۱/۰۲	-۰/۸۰۱	۰/۶۹۹	۰/۰۰۰	معنادار	
	T <sub>۳</sub>	-۰/۲۳۷	-۰/۱۶۲	۰/۵۰۱	۰/۰۰۳	معنادار	
	T <sub>۴</sub>	-۰/۲۱۹	-۰/۳۷۶	۰/۵۰۳	۰/۰۰۲	معنادار	
فرزندسالاری	FS <sub>۱</sub>	۱/۱۷	-۱/۱۶	۰/۸۷۱	۰/۰۰۰	معنادار	۰/۷۹۸
	FS <sub>۲</sub>	۱/۰۲	-۱/۰۲۰	۰/۸۱۶	۰/۰۰۰	معنادار	
	FS <sub>۳</sub>	۰/۰۶۳	-۱/۳۱	۰/۵۱۸	۰/۰۰۰	معنادار	
فناوری های- ارتباطی نوین	FN <sub>۱</sub>	-۰/۱۶۵	-۱/۳۲۰	۰/۵۹۹	۰/۰۰۰	معنادار	۰/۷۴۹
	FN <sub>۲</sub>	۰/۵۰۲	-۰/۷۱۱	۰/۶۶۹	۰/۰۰۰	معنادار	
	FN <sub>۳</sub>	۰/۶۹۸	-۰/۷۴۸	۰/۷۷۳	۰/۰۰۰	معنادار	
	FN <sub>۴</sub>	۰/۵۲۶	-۰/۶۸۴	-۰/۵۸۷	۰/۰۲۰	معنادار	
باز اندیشی در تعاملات جنسی	BAZ <sub>۱</sub>	۰/۲۵۹	-۰/۸۲۱	۰/۵۴۶	۰/۰۰۳	معنادار	۰/۷۶۳
	BAZ <sub>۲</sub>	۱/۳۲۴	-۰/۵۴۲	۰/۵۴۸	۰/۰۰۱	معنادار	
	BAZ <sub>۳</sub>	۱/۲۹۷	-۰/۸۲۱	۰/۶۳۱	۰/۰۰۲	معنادار	
	BAZ <sub>۴</sub>	۰/۳۰۱	-۰/۱۷۹	۰/۵۸۶	۰/۰۰۰	معنادار	
	BAZ <sub>۵</sub>	۱/۵۲۴	-۰/۹۰۱	۰/۴۱۰	۰/۰۰۰	معنادار	
	BAZ <sub>۶</sub>	۰/۳۲۴	-۰/۱۰۳	۰/۳۲۳	۰/۰۰۱	معنادار	
	BAZ <sub>۷</sub>	۱/۵۴۰	-۰/۹۶۱	۰/۵۶۴	۰/۰۰۱	معنادار	
	BAZ <sub>۸</sub>	***	***	۰/۱۸۷	۰/۰۶۵	عدم معناداری	
$\chi^2 = 347/215$ , $df = 285$ , $Pvalue = /0.01$ , $CMIN/DF = 1/319$ , $RMR = /0.23$ , $GFI = /924$ , $CFI = 9.01$ , $IFI = /923$ , $TLI = 916$ , $RMSEA = /0.55$							



نمودار ۱: مدل معادله ساختاری پژوهش

## مدل پژوهش

به منظور آزمون فرضیه‌های تحقیق همچنین از مدل‌یابی معادلات ساختاری در نرم افزار آموس استفاده شد. در این مدل هر یک از متغیرهای مستقل به استثنای متغیر اقامت طولانی مدت در خانواده در نظر گرفته شد. شاخص  $RMSEA^1$  یکی از شاخص‌های اصلی نیکویی برازش در مدل‌یابی معادلات ساختاری است. ریشه میانگین مربعات خطاهای تخمین یا همان  $RSMEA$  در بیشتر تحلیل‌های عاملی تاییدی و مدل‌های معادلات ساختاری استفاده می‌شود. براساس دیدگاه مک‌کالم<sup>۲</sup> (۲۰۰۰)، براون<sup>۳</sup> (۲۰۰۳) و چریبرا<sup>۴</sup> (۲۰۰۶)

<sup>۱</sup> Root Mean Square Error of Approximation

<sup>۲</sup> MacCallum

<sup>۳</sup> Brown

<sup>۴</sup> Schreiber



اگر مقدار این شاخص کوچک‌تر از  $0/01$  باشد، برازندگی مدل بسیار عالی است. اگر بین  $0/01$  و  $0/05$  باشد برازندگی مدل خوب است. اگر بین  $0/05$  و  $0/08$  باشد، برازندگی مدل متوسط است. اما بیشتر پژوهش‌گران از این قاعده استفاده می‌کنند که اگر شاخص RMSEA کوچک‌تر از  $0/10$  باشد، برازندگی مدل خوب است و اگر بزرگ‌تر از این مقدار باشد، مدل ضعیف طراحی شده است. کلاین (۲۰۱۰) معتقد است، این شاخص باید کوچک‌تر از  $0/05$  باشد. با توجه به امکان ایجاد مدل‌های اشباع می‌توان گفت اگر این شاخص کوچک‌تر از  $0/05$  باشد، مطلوب است. لذا در این مدل با توجه به مقدار شاخص RSMEA یعنی  $0/05$  و نیز نسبت خی دو به درجه آزادی که باید کمتر از ۳ باشد، مدل از برازندگی خوبی برخوردار است. از این رو می‌توان مدل فوق را مدل مناسبی دانست.

### **بحث و نتیجه‌گیری**

مدل‌یابی معادله ساختاری، یک تکنیک تحلیل چند متغیری بسیار کلی و نیرومند از خانواده رگرسیون چند متغیری و به بیان دقیق‌تر بسط مدل خطی کلی است که به پژوهشگر امکان می‌دهد مجموعه‌ای از معادلات رگرسیون را به صورت هم‌زمان مورد آزمون قرار دهد. این روش محقق را با پیچیدگی‌های زندگی اجتماعی (تاثیرگذاری مجموعه‌ای از متغیرها بر یکدیگر به‌طور یک‌سویه و دو‌سویه، مستقیم و غیرمستقیم) و همچنین پیچیدگی‌های موجود در اندازه‌گیری‌های سازه‌های پنهان فرهنگی و اجتماعی نزدیک می‌کند. در این تحقیق به بررسی مهمترین عوامل موثر بر بازاندیشی تعاملات جنسی پرداخته شد. همانگونه که در مدل نهایی آموس ملاحظه گردید، متغیرهای مستقل مورد مطالعه ۵ متغیر، فرزندسالاری، فردگرایی، استفاده از فناوری‌های ارتباطی نوین، تغییر در نقش زن و شوهری و پایگاه اجتماعی اقتصادی هستند. در ارتباط با متغیرهای مستقل با توجه به مدل نهایی آموس نشان می‌دهد که تغییر در نقش‌های زن و شوهری، از یک طرف منجر به افزایش فرزند سالاری و از طرف دیگر، منجر به فردگرایی شده است که در نهایت بر بازاندیشی در تعاملات جنسی تاثیر گذاشته است. رابطه بین میزان استفاده از فناوری‌های نوین ارتباطی و بازاندیشی در تعاملات جنسی نیز معنادار بوده است. یافته‌های پژوهش در این مورد با یافته‌های هال (۱۹۹۶)، میتوز (۲۰۰۲)، آپادوری (۱۹۹۸)، رابرتسون (۲۰۰۲)، های و کیلیان و همکاران (۲۰۱۴)، فرهمند و همکاران (۱۳۹۳)، خواجه نوری (۱۳۹۱) و رجبلو و اصغری (۱۳۸۹) همسویی دارد. در تحلیل این امر می‌توان گفت با گسترش امکانات جدید ارتباطی، جامعه ایران به تدریج با امواج فزاینده‌ای از تغییرات

ارزشی و هنجاری مواجه شده است (آزاد و دیگران، ۱۳۸۱؛ ساروخانی و صداقتی‌فر، ۱۳۸۸). ورود امکاناتی چون ماهواره و اینترنت به خانه‌ها، سبک‌های متفاوتی از زندگی را، از جوامع و فرهنگ‌های متفاوت، پیش روی مخاطبان ایرانی خود قرار داده است و به گونه‌ای غیر مستقیم و پنهان، ارزش‌های پیشین آنها را به چالش طلبیده و درعین حال، برای زندگی، گزینه‌های جدیدی مقابل آنها می‌گذارد؛ نمایش شیوه‌های دیگری از زندگی که به تغییر تدریجی ارزش‌ها و نگرش‌ها در جامعه منجر شده است (عباسی و ایمان، ۱۳۸۶: ۳۶). تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطی نوین یکی از عناصر ضروری بازاندیشی و گسست‌های‌اند که پدیده مدرن را از پدیده سنتی جدا ساخته‌اند (گیدنز، ۱۳۸۷: ۹۲). در چنین شرایطی در عصر حاضر نوع زندگی و تمایلات جوانان به موضوع انتخاب شخصی تبدیل می‌گردد؛ بدین معنا که می‌توانند کاری را انجام دهند که می‌خواهند و می‌توانند چیزی بشوند که می‌خواهند - رویه‌ای که حاکی از فردگرایی است. (گیبینز و ریمر، ۱۳۸۴: ۱۱۰).

در مورد متغیر فرزند سالاری در جامعه امروز ایران می‌توان گفت که فرآیند نوسازی در ایران بیشتر در حوزه روابط سنتی خانواده مؤثر بوده؛ چنان که ایران در مقایسه با سایر کشورهای اسلامی نسبت به روابط خانوادگی نوگراتر است. (ارمکی و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۱۹) در واقع، از بین رفتن روابط فئودالی، رشد شهرنشینی، توسعه طبقه متوسط و صنعتی شدن کشور، از عواملی هستند که خانواده ایرانی را به ویژه پس از دوران قاجار و پهلوی اول متحول کردند (علی اکبر، ۱۳۵۶: ۱). با رشد بطئی سبک‌های زندگی جدید، ضرورت بسط هنجارها و الگوهای اجتماعی مدرن مورد توجه قرار گرفت به ویژه در میان اقشار تحصیلکرده و مرفه و شهری، پدیده‌ای رواج یافته است که آن را «فرزندسالاری» می‌نامند. از این عبارت چنین استنباط می‌شود که جوانان در خانواده زیاده خواه، پرتوقع، بی‌ملاحظه و به خصوص بدون احساس مسئولیت هستند و این امر در سنین بالاتر، یعنی از ۱۵ تا ۳۰ سالگی به مراتب جدی‌تر می‌شود. خانواده برای آماده کردن جوانان برای آن که ذهن آنان را بهتر بتوانند در جهت اهداف خود به کار گیرند به آن‌ها توجه بیش از حد نشان می‌دهند و با فراهم کردن رفاهی افراطی از آنها انسان‌هایی نیمه بالغ، پرتوقع و ناراضی و تنوع طلب می‌سازند. از طرفی، آموزش و پرورش با تغییرات پی‌درپی و بی‌حساب نظام آموزشی، معلم و شاگرد را غافلگیر کرده است و بر دشواری کار می‌افزاید. از سوی دیگر، نفوذ وسایل ارتباط جمعی، فیلم‌های ویدئویی و ماهواره‌ها، فرهنگی ناسازگار و ناهم‌سو با فرهنگ غالب بر جامعه ما وارد نموده،

سبب تجزیه هرچه بیشتر ذهنیات جوانان و تغییر نگرش آنان می‌گردد. روابط پیش از ازدواج، روابط فرازناشویی، همجنس‌گرایی، برقراری رابطه همزمان با چندین نفر و غیره نمونه‌ای از این تغییرات و پدیده فرهنگی نوظهوری است که پژوهش‌ها نیز بیان‌کننده استقبال جوانان از آن بوده است (عبدالهیان، ۱۳۸۳؛ قاسمی، ۱۳۸۳؛ موحد و همکاران، ۱۳۸۵؛ دل‌آور و همکاران، ۱۳۹۱؛ خواجه نوری ۱۳۹۱).

در مورد تفاوت بازانديشي در بين جوانان با الگوهاي متفاوت خانواده گفت که تأثیرپذیری مدام خانواده مدرن از روابط جاری در عرصه عمومی جامعه مطرح است. در خانواده مدرن مدنی، تقدم جامعه بر خانواده مفروض است و روابط دموکراتیک در جامعه، روابط خصوصی و صمیمانه خانواده را نیز تحت الشعاع قرار می‌دهد. این الگو مهمترین کارکرد و هدف خانواده را تولید فرزندان می‌داند که باید برای ارزش‌های مدنی جامعه تربیت شوند (جلایی پور، ۱۳۸۵؛ ۲۵) و سطح خانواده را به حد یک واحد عاطفی تقلیل می‌دهد. از این رو، خانواده فقط واحدی برای رفع نیازهای عاطفی فردی و بستری برای تولید شهروندان مدنی است که بالتبع آن، کاهش مناسبات بین نسلی بین خویشاوندان نیز پدید می‌آید. بنابراین در این الگو موضوع اصالت فرد شرایط را برای تداوم پاره‌ای از آسیب‌های اجتماعی از جمله روابط جنسی خارج از عرف هموار می‌سازد، چرا که امروزه کاهش روابط عاطفی در خانواده و رشد انتخاب فردی باعث شده است تا ازدواج، طلاق، بُعد خانواده، بازانديشي در روابط جنسی و روابط بین نسلی و نظایر آن تحت تأثیر قرارگیرد (عرفان منش، ۱۳۹۲) - در حالی که در خانواد های ایرانی اسلامی، تناسب حقوق با نقش‌ها و تکالیف زن و مرد، به طور منصفانه و عادلانه بر مبنای دین تنظیم شده است. همچنین با توجه به اصالت فرد و جمع در کنار یکدیگر، هم به خواسته‌های فردی و هم جمعی توجه می‌شود. این موضوع باعث می‌شود افراد ضمن پیگیری علاقه‌های شخصی و زندگی خصوصی خود، همواره مصالح خانواده را نیز در نظر داشته باشند و کمتر به سمت فردگرایی گرایش پیدا می‌کنند. زمانی که فردگرایی شکل می‌گیرد، جوانان بیشتر به دنبال آزادی‌ها و حقوق فردی خود هستند. این تقاضا به به معنای طغیان علیه اقتدار و نظم حاکم نیست، بلکه بیشتر تجلی اعتماد به نفسی است که آموزش‌های دریافتی در اختیار آنها گذاشته است. سبک‌ها، سلیقه‌ها و شیوه‌های ابراز وجود این نسل تنوعی بسیار یافته‌اند. نتایج فوق از این جهت حائز اهمیت است که بسیاری از محققان، جامعه‌شناسان و برنامه‌ریزان نقش این عوامل را در باز اندیشی تعاملات جنسی را کمتر در نظر می‌گیرند یا اغلب نادیده می‌انگارند. لذا پیشنهاد می‌گردد در توضیح روند باز اندیشی تعاملات جنسی، در

نظرگرفتن تحولات خانواده و تکنولوژی های نوین ارتباطی مورد توجه قرار گیرد. از طرفی با توجه به اجتناب ناپذیر بودن تغییرات ارزشی و باز اندیشی در تعاملات جنسی جوانان، انجام مطالعات طولی بر روی یک نسل جوان در جهت شناخت و آگاهی از مسیرهای آتی تواند به برنامه ریزان و محققان در هدف گذاری مناسب یاری رساند.

## منابع

- آزاد ارمکی، تقی و شریفی ساعی، محمد حسین. (۱۳۹۰). "تبیین جامعه شناختی روابط جنسی آنومیک در ایران". فصلنامه خانواده پژوهشی. سال ۷، شماره ۲۸.
- آزاد ارمکی، تقی؛ شریفی ساعی، محمدحسین؛ ایثاری، مریم و طالبی، سحر. (۱۳۹۱). "سنخ شناسی روابط جنسی پیش از ازدواج در ایران". دو فصلنامه جامعه پژوهی فرهنگی. سال ۲، شماره ۲.
- آزاد ارمکی، تقی؛ زند، مهناز و خزاعی، طاهره. (۱۳۸۱). "روند تغییرات فرهنگی و اجتماعی خانواده تهرانی طی سه نسل". فصلنامه علوم انسانی دانشگاه الزهراء. سال ۱۲، شماره ۴۴.
- آزاد ارمکی، تقی و ملکی، امیر. (۱۳۸۶). "تحلیل ارزش‌های سنتی و مدرن در سطوح خرد و کلان". نامه علوم اجتماعی. شماره ۳۰.
- بستان، حسین. (۱۳۸۴). "تشیع و تأثیر آن بر خانواده در ایران". فصلنامه شیعه شناسی. سال ۳، شماره ۱۱.
- جلابی پور، محمدرضا. (۱۳۸۲). "چشم انداز خانواده". بازتاب اندیشه. شماره ۸۹.
- خلیج آبادی فراهانی، فریده و مهریار، امیرهوشنگ. (۱۳۸۹). "بررسی نقش خانواده در ارتباطات با جنس مخالف قبل از ازدواج در دختران دانشجو در تهران". فصلنامه خانواده پژوهی. سال ۶، شماره ۲۴.
- خواجه نوری، بیژن و دل آور، مریم السادات. (۱۳۹۱). "عوامل مؤثر بر دوستی دختر و پسر در بین جوانان شهر شیراز با تأکید بر فرایند جهانی شدن". جامعه شناسی کاربردی. سال بیست و سوم، شماره پیاپی ۴۶ شماره دوم.
- درابی، علی. (۱۳۸۹). جریان‌شناسی سیاسی در ایران. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
- ذکائی، محمد سعید. (۱۳۹۳). جامعه شناسی جوانان ایران. چاپ ششم، تهران: انتشارات آگه
- ذکایی، محمد سعید. (۱۳۸۶). فرهنگ مطالعات جوانان. چاپ اول، تهران: نشر آگه

- رجبلو، علی و اصغری، سارا. (۱۳۸۹). "جهانی شدن و بازاندیشی الگوهای دوستی دختران و پسران : مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه تهران". مطالعات اجتماعی روانشناختی زنان. سال ۸، شماره ۲.
- ساروخانی، باقر و صداقتی فرد، مجتبی. (۱۳۸۸). "شکاف نسلی در خانواده ایرانی؛ دیدگاه‌ها و بینش‌ها". پژوهشنامه علوم اجتماعی. سال ۳، شماره ۴.
- سلطانی، مهدی. (۱۳۹۰). "الگوی ساختار خانواده مطلوب از دیدگاه اسلامی". معرفت. سال ۲، شماره ۳.
- سلیمی نیا، لیلا؛ جزایری، علیرضا و محمدخانی، پروانه. (۱۳۸۴). "نقش سلامت روان در ظهور رفتارهای پرخطر نوجوانان". فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی. سال ۵، شماره ۱۹.
- صادقی فسایی، سهیلا و عرفان منش، ایمان. (۱۳۹۱). "تحلیل جامع هشناختی تأثیرات مدرن شدن بر خانواده ایرانی و ضرورت تدوین الگوی ایرانی اسلامی". فصلنامه زن در فرهنگ و هنر. دوره ۵، شماره ۱.
- صادقی فسایی، سهیلا. (۱۳۹۲). "تحلیل جامعه‌شناختی تأثیرات مدرن‌شدن بر خانواده ایرانی و ضرورت تدوین الگوی ایرانی اسلامی". زن در فرهنگ و هنر. دوره ۵، شماره ۱.
- عباسی، خیام و ایمان، محمدتقی. (۱۳۸۶). "تبیین جامعه‌شناختی گرایش نوجوانان به فرهنگ غربی". جوانان و مناسبات نسلی. سال ۱، شماره ۱.
- عبداللهیان، حمید؛ حمیدی، نفیسه و فرجی، مهدی. (۱۳۸۵). "روایت شناسی: موارد خاصی از بازاندیشی خویشتن زنانه در ایران". نامه علوم اجتماعی. شماره ۲۷.
- علوی تبار، علیرضا. (۱۳۸۶). "خانواده سنتی گزینه‌ای ناممکن". بازتاب اندیشه. شماره ۹۵.
- فاضلی، نعمت اله و علینقیان، شیوا. (۱۳۹۱). "گونه‌شناسی الگوهای در حال ظهور زندگی خانوادگی در شهر تهران". مجموعه مقاله‌های اعضای کارگروه زنان و فرهنگ شهری.
- فرهمند، مهناز؛ جواهریان، ندا و هاتفی راد، لیدا. (۱۳۹۳). "جهانی شدن فرهنگ و بازاندیشی تعاملات جنسی". فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات راهبردی جهانی شدن.
- قاسمی، وحید. (۱۳۸۳). "سنخ‌شناسی دانشجویان بر مبنای پدیده رابطه دوستانه دختر و پسر؛ مطالعه موردی: دانشگاه صنعتی اصفهان". مطالعات جوان. شماره ۷.

- گرمارودی، غلامرضا؛ مکارم، جلیل؛ علوی، سیده شهره و عباسی، زینب. (۱۳۸۸). "عادات پرخطر بهداشتی در دانش‌آموزان تهران". فصلنامه پژوهشکده علوم بهداشتی جهاد دانشگاهی. سال ۹، شماره ۱.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۷). *تجدد و تشخیص*. ناصر موفقیان. تهران: نشر نی
- موحد، مجید و عباسی شوازی، محمדתقی. (۱۳۸۵). "بررسی رابطه جامعه پذیری نگرش دختران به ارزشهای سنتی و مدرن در زمینه روابط بین شخصی دو جنس پیش از ازدواج". مجله مطالعات زنان. دانشگاه الزهراء، سال ۴، شماره ۱.
- وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی. (۱۳۸۶). گزارش جمهوری اسلامی ایران درباره پایش اعلامیه تعهد مصوب اجلاس ویژه مجمع عمومی سازمان ملل در زمینه اچ‌آی‌وی و ایدز. دبیرخانه کارگاه کشوری ایدز.
- Afary, J. (۲۰۰۹). **Sexual Politics in Modern Iran**. Cambridge: Cambridge University Press.
- Blossfeld, H. P. and M. Mills. (۲۰۰۵). "A Causal Approach to Interrelated Family Events: A Cross-National Comparison of Cohabitation". Nonmarital Conception, and Marriage', [Special issue], *Canadian Studies in Population*, Vol. ۲۸, No. ۲.
- Bocock, Robert. (۱۹۹۳). "Consumption and Life Styles". In Thomson, Kenneth, Robert Bocock & Stuart Hall (eds.), *The Social and Cultural Forms of Modernity*, Polity Press and Open University Pub.
- Brown, T.A., (۲۰۰۳) "Confirmatory factor analysis of the Penn State Worry Questionnaire: Multiple factors or method effects?". *Behaviour Research and Therapy*, ۴۱: ۴۱۱-۴۲۶
- Bumpass, L. and H. H. Lu. (۲۰۰۰). "Trends in Cohabitation and Implications for Children's Family Contexts in the United States". *Population Studies*, Vol. ۵۴, No. ۱.
- Esteve, A., R. Lesthaeghe, and A. López-Gay. (۲۰۱۲). "The Latin American Cohabitation Boom, ۱۹۷۰-۲۰۰۷". *Population and Development Review*, Vol. ۳۸, No. ۱.
- Giddens, Anthony. (۱۹۸۴). **The Constitution of Society**. Berkeley: University of California Press.
- Goodwin, P. Y., W. D. Mosher, and A. Chandra. (۲۰۱۰). "Marriage and Cohabitation in the United States: A Statistical Portrait Based on Cycle

- 6 (2002) of the National Survey of Family Growth". Vital and Health Statistics, Series 23, No. 28.
- Harding, D. and C. H. Jencks. (2003). "Changing Attitudes Toward Premarital Sex". Public Opinion Quarterly, Vol. 67, No. 2.
  - Haskey, J. (2001). "Cohabitation in Great Britain: Past, Present and Future Trends and Attitudes". Population Trends, Vol. 103.
  - Heuveline, P. and J. M. Timberlake. (2004). "The Role of Cohabitation in Family Formation: The United States in Comparative Perspective". Journal of Marriage and Family, Vol. 66.
  - Hewitt, B. and D. De Vaus. (2009). "Change in the Association Between Premarital Cohabitation and Separation, Australia 1980-2000". Journal of Marriage and Family, Vol. 71.
  - Kennedy, S. and L. L. Bumpass. (2008). "Cohabitation and Children's Living Arrangements: New Estimates from the United States". Demographic Research, Vol. 19.
  - Lee, G. R. & K. Payne. (2010). "Changing Marriage Pattern since 1970: What's Going on and Why?". Journal of Comparative Family Studies, Vol. 41, No. 4.
  - Legkauskas, V. and D. Stankeviciene. (2009). "Premarital Sex and Marital Satisfaction of Middle Age Men and Women: A Study of Marriage Lithuanian Couples". Journal of Sex Role, Vol. 66. No 2.
  - MacCallum, R.C., J.T. Austin. (2000) "Applications of structural equation modeling in psychological research". Annual Review of Psychology, 51: 201-226
  - Mahdavi, P. (2008). **Passionate Uprisings: Iran's Sexual Revolution**. California: Stanford University Press.
  - Pla, A. and C. Beaumel. (2009). "Bilan démographique 2009: Deux Pacs Pour Trois Mariages". Insee Première, No. 1276.
  - Raymo, J. M., M. Iwasawa, and L. Bumpass. (2007). "Cohabitation and Family Formation in Japan". Journal of Demography, Vol. 46, No. 4.
  - Regnerus, M. & J. Uecker. (2011). **Premarital sex in America: How Young Americans Meet, Mate and Think About Marrying**. Oxford: Oxford University Press.
  - Rostosky, S. S., et al. (2004). "The Impact of Religiosity on Adolescent Sexual Behavior: A Review of the Evidence". Journal of Adolescent Research, 19(6), 677-697.
  - Sardon, J. P. and G. D. Robertson. (2004). "Recent Demographic Trends in the Developed Countries". Population (English Edition), Vol. 59, No. 2.



- Schreiber, J.B. (2006). **"Reporting Structural Equation Modeling and Confirmatory Factor Analysis Results: A Review"**. *The Journal of Educational Research*, 99
- Smock, P. and W. Manning. (2004). **"Living Together Unmarried in the United States: Demographic Perspectives and Implications for Family Policy"**. *Law & Policy*, Vol. 26, No. 1.
- Utomo, I. (2009). **"Sexual Values and Early Experiences among Young People in Jakarta"**. Lenore Manderson and Pranee Liamputtong (ed.). *In Coming of Age in South and Southeast Asia: Youth, Courtship and Sexuality*, Curzon Press, Richmond, Surrey, UK.

# **Structural Equation Modeling Factors Influencing the Rethinking of Youth's Sexual Interactions**

**Mahdi Soleymani**

Ph.D. Student in Sociology, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran

**Zia Hashemi**

Ph.D., Associate Professor in Sociology, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran

**Ali Reza Mohseni Tabrizi**

Ph.D., Full Professor in Sociology, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran

**Houshang Nayebi**

Ph.D., Associate Professor in Sociology, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran

*Received: ۳۰ Jan. ۲۰۱۸*

*Accepted: ۱۰ Mar. ۲۰۱۸*

Youth as a social, cultural and biological structure is the basis and groundwork for social changes. Therefore, due to the increasing growth of the rethinking of sexual interactions as well as the increase of inter-gender interactions and changes in its form and content, the purpose of this study was to investigate the most important factors affecting the rethinking of sexual interactions of young people. The statistical population of the study included students from ۱۸ to ۲۹ years old at universities in Tehran. Sampling was done using multi-stage cluster sampling. The sample size was ۳۸۴ according to Cochran's formula. A questionnaire was used to collect data. The findings of this study showed that there was a significant relationship between Filiarchy, long-term residence of young people in the family, individualism, the use of new communication technologies, the role of women and men, and the socioeconomic status with the amount of rethinking of sexual interactions. The findings of stepwise regression showed that modern communication technologies, individualism, change in the role of women and men, social and economic status, and childbirth, in total involve ۱۸,۳% of the variance in the rethinking of sexual interactions of young

people. Using the structural equation model of Amos, it was found that changes in the image of a husband and wife through childbearing and individualism, as well as the use of new communication technologies, and the socio-economic base affect the level of rethinking in sexual interactions.

**Key Word:** Youth, Rethinking of Sexual Interactions, Filiarchy, Family and Individualism